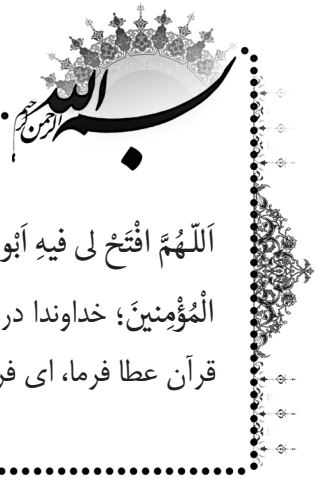




دعای روز بیستم

اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ الْجَنَانِ وَ اغْلُقْ عَنِّي فِيهِ أَبْوَابَ التَّيَرَانِ وَ وَفَّقْنِي فِيهِ لِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ يَا مُنْزِلَ السَّكِينَةِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ؛ خداوندا در این روز درهای بهشت‌ها را به روی من بگشا و درهای آتش دوزخ را ببند. مرا توفیق تلاوت قرآن عطا فرما، ای فرودآورنده وقار و سکینه بر دل‌های اهل ایمان



فضیلت شب قدر

بدون تردید، شب قدر از شب‌های با عظمت و با اهمیت سال است و دلیل فضیلت این شب بر سایر شب‌ها به اعتبار اموری است که در این شب محقق می‌گردد و گرنه اجزای زمان یا مکان، درجه و رتبه وجودی‌شان یکی است و بین آن‌ها تفاوتی وجود ندارد. در روایتی از پیامبر اسلام ﷺ نقل شده است که فرمودند: هر کس شب قدر را احیاء دارد و مومن باشد و به روز جزا اعتقاد داشته باشد، تمامی گناهانش آمرزیده می‌شود. در روایتی دیگر امام صادق (ع) فرمودند: شماره ماه‌های سال نزد خداوند، دوازده ماه است و سرآمد ماه‌ها، ماه رمضان است و قلب ماه رمضان، شب قدر است.

علت مخفی بودن شب قدر

برخی معتقدند علت مخفی بودن شب قدر در میان شب‌های ماه مبارک رمضان این است که مردم به همه این شب‌ها اهمیت دهند همان‌گونه که خداوند، رضای خود را در میان انواع طاعات پنهان کرده تا مردم بر همه طاعات روی آورند، خشمش را در میان معاصی پنهان کرده تا از همه گناهان بیرهیزند، اسم اعظم را در میان اسمائش پنهان نموده تا همه را بزرگ دارند، ساعت استجابت دعا را در ساعات روز جمعه، پنهان ساخته تا روز جمعه به دعا بیشتر همت گمارند ولی خدا را در بین بندگان مخفی نموده، تا به همه بندگان احترام نمایند و وقت مرگ را مخفی ساخته تا در همه حال آماده باشند، و شاید یکی دیگر از فلسفه‌های مخفی بودن شب قدر این است که مردم در تمام شب‌های ماه مبارک رمضان و یا لااقل در سه شب مشهور ۱۹ و ۲۱ و ۲۳ به عبادت بیشتری روآورند و به اصلاح احوال خود و تصفیه روح و جان خود از آلودگی‌های دنیا بپردازند تا بلکه از آن شب‌ها بیشتر مستفیض شده و به واسطه تمرین زیادتر، ملکات فاضله در آن‌ها راسخ‌تر شود، لذا علت مخفی بودن شب قدر به نفع بندگان است؛ زیرا اگر این شب خجسته معین بود، برخی بر اثر توفیق احیاء آن، مبتلا به عجب و غرور می‌گشتند.

درخواست‌های شب قدر

عظمت شب قدر اقتضا می‌کند که از خدا بهترین چیز را طلب کنیم، پیامبر اکرم ﷺ در جواب کسی که سوال کرد: «إِنَّا أَذْرَكُكُمْ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فَمَا أَسْأَلُ رَبِّي؟» آن حضرت فرمود: «الْعَافِيَةَ» و از حضرت موسی (ع) نقل شده که به خدا عرضه داشت: خدایا! نزدیکی به تو را می‌خواهم. خدا فرمود: نزدیکی به من، برای کسی است که شب قدر را بیدار بماند. حضرت موسی (ع) گفت: خدایا! رحمت تو را می‌خواهم. خدا فرمود: رحمت من، برای کسی است که شب قدر را بر بینوایان ترحم کند. حضرت موسی (ع) گفت: خدایا! عبور از صراط را می‌خواهم. خدا فرمود: آن، برای کسی است که در شب قدر، صدقه‌ای بدهد. حضرت موسی (ع) گفت: خدایا! درختان و میوه‌های بهشتی می‌خواهم. خدا فرمود: آن، برای کسی است که در شب قدر، تسبیح گوید. حضرت موسی (ع) گفت: خدایا! رهایی از آتش را می‌خواهم. خدا فرمود: آن، برای کسی است که در شب قدر، آمرزش بخواهد و استغفار کند. حضرت موسی (ع) گفت: خدایا! خرسندی تو را می‌خواهم. خدا فرمود: خرسندی من، برای کسی است که در شب قدر، دو رکعت نماز بگذارد. بحارالانوار (ط - بیروت)، ج ۹۵، ص ۱۴۶

احکام روزه

من در روز ماه رمضان به علت اغوای شیطان تصمیم گرفتم روزه‌ام را باطل کنم لکن قبل از این که عملی که روزه را باطل می‌کند انجام دهم، از تصمیم خود منصرف شدم، حکم روزه‌ام چیست؟ و اگر این امر در روزه غیر ماه رمضان پیش آید چه حکمی دارد؟ در روزه ماه رمضان اگر در اثنای روز از نیت روزه گرفتن برگردد به طوری که قصد ادامه روزه نداشته باشد، روزه‌اش باطل می‌شود و قصد دوباره او برای ادامه روزه فایده ندارد، البته تا اذان مغرب باید از کاری که روزه را باطل می‌کند خودداری کند. اما اگر دچار تردید شود به این معنی که هنوز تصمیم نگرفته است روزه را باطل کند، یا تصمیم بگیرد کاری را که موجب باطل شدن روزه است صورت دهد و هنوز آن را انجام نداده در این دو صورت صحت روزه او محل اشکال است و احتیاط واجب آن است که روزه را تمام کند و بعداً هم آن را قضا نماید. هر روزه واجب معین دیگر - مانند نذر معین و امثال آن - نیز دارای همین حکم است. اجوبة الاستفتاءات مقام معظم رهبری

رسول خدا ﷺ فرمودند: «وَ اخْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَ غُضُّوا عَمَّا لَا يَحِلُّ النَّظَرُ إِلَيْهِ أَبْصَارَكُمْ وَ عَمَّا لَا يَحِلُّ الْإِسْتِمَاعُ إِلَيْهِ أَسْمَاعَكُمْ؛ زبانان را حفظ کنید و چشمانتان را از آن چه نگاه بدان حرام است فرو بندید و گوش هایتان را از آن چه شنیدن آن حلال نیست، ببندید». بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۵۷

سه کار مشکوک امام مقبول

عبدالله بن عباس می گوید: در یکی از روزها مقدار سیصد دینار به عنوان هدیه، خدمت حضرت رسول ﷺ داده شد و حضرت تمامی آن ها را به علی بن ابی طالب (علیه السلام) عطا کرد. ابن عباس می گوید: امام علی (علیه السلام) اظهار داشت: من آن سیصد دینار را گرفته و خوشحال شدم و با خود گفتم: امشب مقداری از آن ها را در راه خدا صدقه می دهم تا خداوند قبول فرماید و چون نماز عشاء را پشت سر پیغمبر خدا به جماعت خواندم، یک صد دینار آن ها را به زنی درمانده دادم. چون صبح شد، مردم گفتند: دیشب علی بن ابی طالب صد دینار به فلان زن فاجره داده است. با شنیدن این سخن، بسیار غمگین و ناراحت شدم و با خود عهد کردم که جبران نمایم، لذا هنگام شب - بعد از نماز عشاء - یک صد دینار دیگر از آن پول ها را به مرد رهگذری دادم. چون صبح شد، مردم گفتند: دیشب علی بن ابی طالب صد دینار به مردی دزد کمک کرده است و من خیلی ناراحت و افسرده خاطر گشتم و با خود گفتم: به خدا قسم! امشب صد دینار باقی مانده را به کسی صدقه می دهم که مقبول خداوند قرار گیرد. این بار نیز هنگام شب، پس از نماز عشاء از مسجد خارج گشتم و صد دینار باقی مانده را به مردی رهگذر دادم. وقتی که صبح شد مردم گفتند: دیشب علی بن ابی طالب، صد دینار به مرد ثروتمندی کمک کرده است.

بسیار غمگین شدم و نزد پیامبر خدا ﷺ رفتم و جریان را برای حضرتش بازگو کردم. حضرت رسول ﷺ فرمود: این جبرئیل (علیه السلام) است که می گوید: خداوند صدقات تو را پذیرفته است، و می گوید: آن صد دیناری را که به آن زن فاجره دادی چون به منزل خود آمد، توبه کرد و آن صد دینار را سرمایه زندگی قرار داد و هم اکنون دنبال مردی است که با او ازدواج نماید. آن صد دیناری را که به آن مرد دزد دادی، او نیز وقتی به منزل آمد، از کارهای زشت خود توبه کرد و آن پول ها را سرمایه ای برای کسب و تجارت خویش قرار داد. و همچنین آن صد دیناری را که به مرد ثروتمند دادی چندین سال بود که زکات و خمس اموال خود را نمی داد، پس وقتی به منزلش آمد، با خود گفت: وای بر تو! این علی بن ابی طالب است، با این که مال و اموالی ندارد این چنین صدقه می دهد و انفاق می کند! ولی من با این همه ثروتی که دارم از مستمندان دریغ می دارم، من باید همانند علی بن ابی طالب (علیه السلام) به دیگران کمک نمایم و زکات و خمس اموال خود را بپردازم. سپس فرمود: بنابراین، کارهای تو مقبول خداوند متعال قرار گرفته است و این آیه شریفه:

«رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ...»
در شأن و منزلت تو نازل گردید.^۲

بخش از فضائل حضرت علی (علیه السلام)

۱. ازدواج آسمانی

ازدواج حضرت علی (علیه السلام) با حضرت فاطمه (علیه السلام) به فرمان خداوند، از امتیازاتی است که رسول اکرم ﷺ بر آن مباهات می کرد. در این پیوند پر میمنت، فرشتگان آسمان در سرور و شادمانی، و بهشتیان به زینت و زیور آراسته شده بودند.

۲. خطبه خلافت

خلافت (ظاهری) حضرت علی (علیه السلام) با ایراد اولین خطبه در مسجد مدینه پس از ۲۵ سال سکوت آغاز شد.

۳. بخشش انگشتر

حضرت علی (علیه السلام) در رکوع نماز انگشتر خویش را به سائل عطا فرمودند و جبرئیل این آیه را آورد:

ای محمد! بخوان: سرپرست شما فقط خدا و رسول اوست و کسانی که با ایمان به خدا نماز به پا داشته و در حال رکوع صدقه دادند.

۴. حدیث بساط

رویداد سیر فضایی حضرت علی (علیه السلام) هم چون سلیمان پیغمبر در بساط با جمعی از مدینه تا غار اصحاب کهف از فضایی است که داستان شگفت انگیز آن در کتب فریقین آمده است.

۵. عقد اخوت

پیمان برادری رسول اکرم ﷺ با امیرمومنان را مورخین چنین آورده اند: با نزول آیه اخوت پیامبر عده ای از اصحاب را بنابر درجه ایشان با یکدیگر برادر خواند و حضرت علی (علیه السلام) را برای خود نگه داشت و دست او را بلند نموده و فرمود: «هذا أخي في الدنيا والآخرة؛ این برادر من در دنیا و آخرت است.»

۶. آیه مباهله

جریان مباهله با نصاری نجران رخدادی عظیم در تاریخ اسلام است. قرآن کریم در این باره می فرماید: «بیائید تا بخوانیم فرزندان و زنان و نفسهایمان را با یکدیگر» همراهی علی (علیه السلام) با پیامبر ﷺ در این مباهله، نهایت فضل و رتبه ایشان را می رساند. زیرا خداوند او را نفس و جان پیغمبر معرفی می کند.

۷. نزول آیه هل اتی

حضرت علی (علیه السلام) با سه روز روزه گرفتن، غذای خود را به مسکین و یتیم و اسیر بخشید و با آب افطار نمود، و به افتخار این ایثار، جبرئیل با ابلاغ تهنیت بر چنین اهل بیتی سوره هل اتی (انسان) را در شأن آن حضرت بر پیامبر نازل کرد.

۱. سوره نور: آیه ۳۷.

۲. مستدرک الوسائل: ج ۷، ص ۲۶۷، ح ۱۶.